



ابوالهیل : با حضور کاظمی در سپاهان همه دچار مشکل شده‌اند

محمد مایلی کهن. . . هیچ وقت نشد بشناسیمش . هیچ وقت نتوانستیم درک کنیم که چگونه انسانی است . نتوانستیم دریابیم که او کیست و چیست و چه می گوید و چرا می گوید و چه می خواهد و چرا می خواهد . حرف حسابش اصلاً چیست . این محمد مایلی کهن که هیچ وقت حساب آدم یا او صاف نمی شود. با محمد مایلی کهن که طرفی ، هیچ وقت حسابت صاف نمی‌شود. با پدهاکاری باستانکار. به عبارت دیگر باخیلی بدهاکاری و باخیلی باستانکار و این صفتی است که تنها و تنها و فقط و فقط و فقط محمد مایلی کهن برخوردار است از آن .

●●●

چقدر شبیه علی دایی است او . چقدر شبیه شاگرد خودش است . شاید به همین خاطر است که از آن اول آشنای با هم در یک جوی نرفت . هر ۲ در سیما و رفتار و کردار و گفتار و عقاید طرف مقابل چیزی را می‌دیند که «تحریک کننده» بود. که ناراحت کننده بود . که «عذاب آور» بود . که «تهدید کننده» بود . هر ۲ همدیگر را چنان دفع می کردند که قطب های همجنس آهن ربا . کسی چه می داند؟ شاید هر ۲ بی آنکه خود بدانند غیرقابل توصیف و غیرقابل باور ، به بداندن خود را می دیدند که چقدر تلخ و تند و بداخلاق و بدعتن و نامهربانند با دیگران .

شاید خود را می دیدند که چگونه دارند با عصبیتی غیرقابل توصیف و غیرقابل باور ، به دیگران – خوب ها و بدها– حمله می کنند . از همین روست که این ۲ نفر هیچ وقت شاگردو استاد نشدند. از همان اول هر ۲ رو به روی هم قرار گرفتند و شاخ و شانه کشیدند. دایی البته انصافاً بیشتر حرمت نشان داد و حق شاگردی را به جای آورد . دایی کمتر پیش آمد که در جنگ ها پیشقدم شود و دست به شمشیر ببرد و شروع کننده باشد . این حال در مصیبتی تند و بی منتظ و عصبی و کنترن ناپذیر علی دایی به منتقدان هم همان سیمای محمد

چون برنامه نداریم موفق نمی شویم

■ **اصغر اکبری**



۱- نمایندگان ما در آسیا روند خوبی نداشتند ، یعنی پتانسیل فوتبال ما در این سطح نیست . از میان ۴ نماینده که مدعیان لیگ برتر هستند فقط یک تیم شانص صعودش زیاد است . هیچ وقت فوتبال ما تا این اندازه به این شرایط بد نرسیده بود . حتی عرب‌ها نیز ما را پشت سر گذاشتند. ما هنوز به سبک سنتی بازی می کنیم . مربیان و مربیان ما حتی به سبک سنتی فکر می کنند. اگر هنوز کورسویی در این میان وجود دارد به خاطر پتانسیل بازیکنان است که به اصطلاح فوتبالیست به دنیا آمده‌اند به هر حال با این پتانسیل حیف است که جایگاهی در بین تیم های آسیایی داشته باشیم . ما برنامه در کارمان نداریم . دائماً با یک آهنگ خاص بازی می کنیم . ۱۱ نفره ای که به میدان می روند همان هایی هستند که در بازی قبلی به میدان رفتند . مربیان برای هر بازی سیستم و روشی ندارند. تمام بازی ها به یک شکل پیگیری می شود . در این بازی های آسیایی در هیچکدام از نمایندگانمان ندیدیم که به یک سوم دفاعی حریف بروند و پرس انجام دهند . این مشکل را در بازی های خانگی هم داریم . بازی بدون توپ ما کم شده و فقط مهاجم با به توپ حرکت رو به جلو انجام می دهد و سایرین ایستاده بازی را دنبال می کنند. باید برای مقابله با حریف استراتژی مشخص داشته باشیم. فقط استقلال است که از گوشه ها از جناح راست خود استفاده می کند و توپ را به دروازه حریف نزدیک می کند. تیم های ما حریفان را خوب آنالیز نمی کنند در عوض حریفان ما را به خوبی آنالیز می کنند! باید تغییری در سبک بازی و تفکر مربیان و مدیران ما به وجود بیاید . وینگادا در پرسپولیس هم چنین روشی دارد ضمن اینکه او مربی اخراجی همین عرب ها بوده که در حال حاضر سرمربی مطرح ترین تیم کشور شده است . مشکل ما اینجاست که مربی با سبکی هم به کشور نمی آوریم . گاس هیدینک وقتی کره را به جام جهانی برد ۲ سال در کره گشت تا بازیکنانی را پیدا کند که به سیستم ۳-۵-۲ بایند . ما در پارگیری هم مشکل داریم . اول فصل ۶ مهاجم می گیریم و مدافع هیچ! فقط به دنبال مهره های خوب هستیم و این فکر نمی کنیم باید رفتاری را بیاوریم که به سیستم تیم بخورند . مربیان ما نباید مانند تماشاگران ، بازیکنان را محک بزنند . مربی باید صاحب سبک باشد . باید مطالعه خود را بیشتر کنیم از موفقیت های کوشه های دیگر درس بگیریم و نقاط مثبت آنها را آویزه گوشمان کنیم . باید یک وفاق ملی صورت می گیرد . آقای ایکس ۳ هفته مربی یک تیم است و نتیجه نمی گیرد و برکنارش می کند . هفته بعد روی نیمکت یک تیم دیگر نشسته است! من مربی نباید خودم را به هر چیزی بفروشم . مدیران ما نیز باید قوی تر عمل کنند .

۲- در این شرایط اگر تیم ملی به جام جهانی برود یک فوتبال مریض را به نمایش خواهد گذاشت . اگر قرار است شرایط اینگونه باشد خدا کند به جام جهانی صعود نکنیم تا بلکه چیره‌های در فوتبال ما درست شود . نرفتن به جام جهانی یعنی زیر سؤال رفتن افراد . این مورد باعث می شود فوتبال تکانی بخورد . قطعی تا حدودی انتحاش را پس داده است . او می تواند تیم را که بیش از هر زمانی به روحیه احتیاج دارد ، از لحاظ روحی و روانی کمک زیادی به آن بکند . در زمان علی دایی ، اتفاقات خوبی در فوتبال به وقوع پیوست . او بازیکن سالاری را برانداخت و نظم و انضباط را سرلوحه کار قرار داد اما بعد از آمدن رونه مولر او تمرکزش را از دست داد تا نهایت برکنار شد . محمصص کنار قطعی قرار گرفته است که می تواند نقش استیلی را مانند سال گذشته در پرسپولیس ایفا کند اما به عقیده من شخص استیلی برای دستیاری قطعی در این شرایط گزینه بهتری بود . قطعی می تواند توان روحی تیم را بالا ببرد و دستیار ایرانی اش از لحاظ فنی تیم را حمایت کند .

۳- در بازی جام حذفی که حساس ترین آن بازی بین پرسپولیس و سپاهان

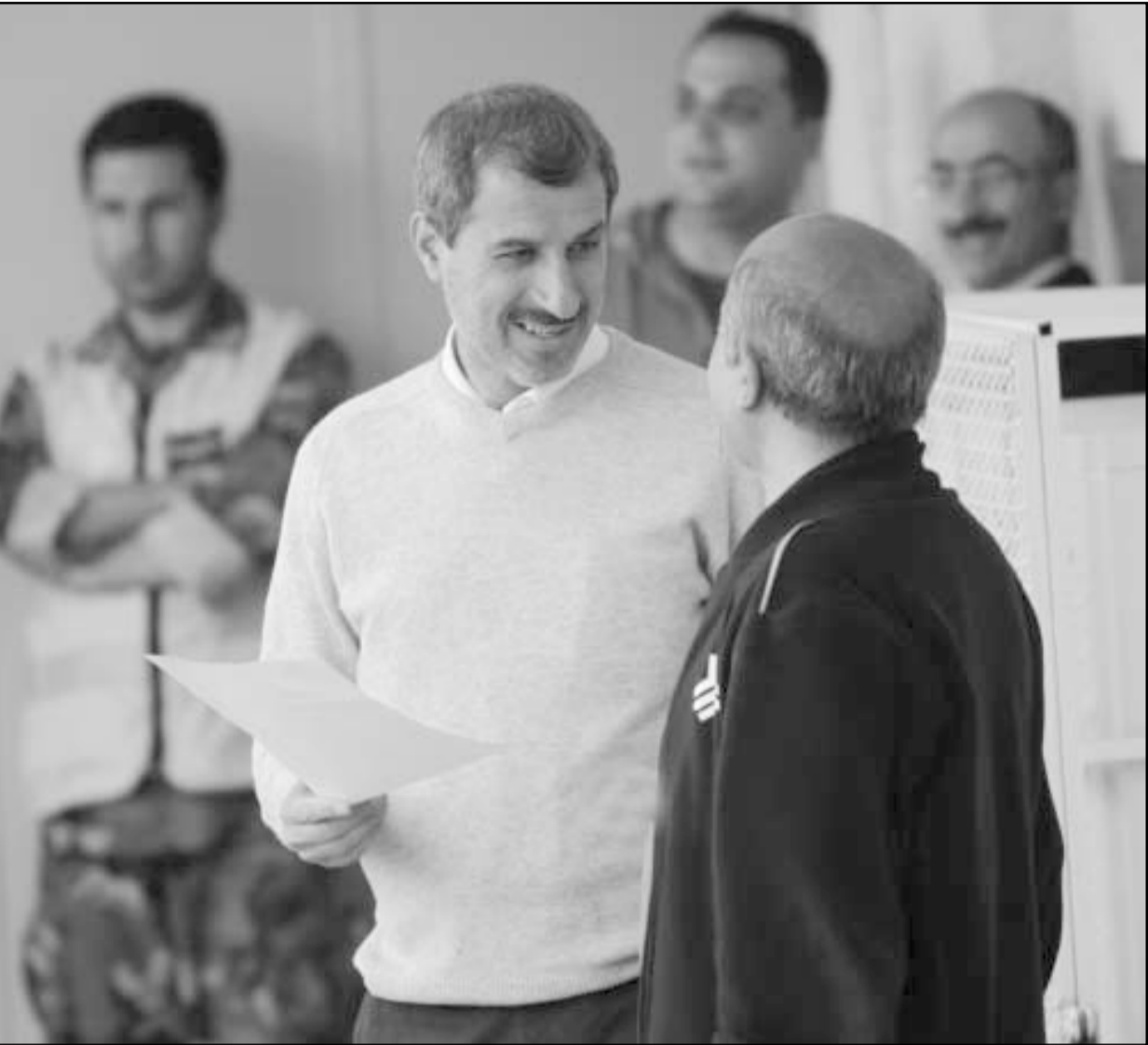
است که به عقیده من پرسپولیس از لحاظ روحی و روانی شرایط بهتری دارد .

انتیازی که پرسپولیس نسبت به سپاهان دارد بازی در آزادی و حمایت هوادارانش است اما در مجموع من شانص پیروزی را ۵۰ ، ۵۰ می دالم .

۴- استقلال نیز مقابل مس رفسنجان قرار می گیرد که به عقیده من مس می تواند حریف سرسختی برای استقلال باشد ضمن اینکه من شناخت خوبی از این تیم دارم و به لطف مربی بدنساز این تیم لطفی بازیکنان دوندگی و جنگندگی خاصی در زمین دارند . استقلال باید خیلی هوشیار باشد .

عبدالوهاب ابوالهیل
ها فیک عراقی تیم فوتبال سپاهان گفت: از وقتی فرهاد کاظمی به سپاهان آمده همه در این تیم دچار مشکل شده‌اند.وی درباره مشکلات اخیر با فرهاد کاظمی عنوان کرد: او بی دلیل از من ناراحت شده است و خودم هم نمی دانم مشکل این مربی چیست؟ او با بیان اینکه هرگز پیراهن سپاهان را به زمین نینداخته است؛ ادامه داد: وقتی فرهاد کاظمی در برنامه ۹ گفت من پیراهن تیم را به ز زمین انداخته ام و به همین دلیل اخراجم کرده؛ ناراحت شدم. چون در ۳ ساله که در این تیم بودم چنین مشکلاتی نداشتم و مدیریت هم می داند که من دنبال حاشیه نیستم. این بازیکن تاکید کرد: بین نهم دوام بازی با پاختاکور کاظمی به من گفت باید تعویض شوی و من هم ناراحت شدم. چون این فقط من نبودم که بد بازی می کردم.

برای محمد مایلی کهن که نمی دانیم با او چه کنیم



مصاحبه های منفی مایلی کهن در سال های اخیر فکر می کنیم ، این اغراق نیست . باید تمام مصاحبه های او در سال های اخیر را جمع کرد و وزن کرد تا دریافت که او چند درصد علیه

این و آن حرف زده و چند درصد به نفع این و آن . من که فکر می کنم ۸۰ درصد می زند و ۲۰ درصد نقد می کند . حمایت که دیگر هیچ!

●●●

یکبار دیگر فیلم های مصاحبه او را تماشا کنید . این بار مهرکلام نشوید . به زبان «بدن» او توجه کنید نه زبان کلام . ببینید که محمد مایلی کهن ، وقتی سخن می گوید چه عکس العمل های

فیزیکی از خود بروز می دهد! او می لرزد، هیجان زده می شود، رعشه می افتد بر دست ها و اندامش . گزارشگر تلویزیونی شق و رق و صاف و ساده ایستاده و میکروفون را دراز کرده سمت او اما مایلی کهن نمی تواند حتی صاف بایستد . مدام تکان می خورد، مدام جا عوض می کند، مدام می رود و می آید، مدام متحرک دارد . به حرکت دستش نگاه کنید . صاف نیست، رعشه دارد. چرا؟ مشکل او چیست؟

●●●

او حالا پس از آنکه چندین و چند بار با بیانیه های مختلف ، فضای ملتهب فوتبال نوروزی پر از باخت را بمباران کرد ، حالا نوک پیکان را متوجه فیروز کریمی کرده . او اتهاماتی را بر زبان آورده و تأکید کرده که برای اثبات آن مدرک دارد که هولناک و رعب آور است . اینکه نیت او پاک است یا نیست دیگر موضوع مهمی نیست – حتی اگر محمد مایلی کهن پاک ترین آدم روزگار باشد– که خودش می گوید نیست . حتی اگر خالص ترین و صاف ترین نیت دنیا هم مال او باشد ، این راه و رسمش نیست . کسی اگر از فیروز کریمی یا دیگران مدرک دارد چرا در رسانه ها آن را «رو» می کند؟ چرا کار کشیده نمی شود به اتاق های مخفی فدراسیون و کمیته انضباطی یا سازمان تربیت بدنی؟ چرا اول بی آنکه کسی خبردار شود ، بی آنکه با آبروی کسی بازی شود ، بی آنکه ۳ هفته از عمر کسی مثل امیر قلعه نویی بر سر هیچ و پوچ به آتش کشیده شود، چرا نباید اول قضیه را در خفا بررسی کرد و هر وقت صحت و سقم آن مشخص شد ، آن وقت کار را کشاند به رسانه ها؟ محمد مایلی کهن اما نمی تواند . او نه تنها مصلحت اندیش نیست که متأسفانه «آبر و اندیش» هم نیست . او دیگر ترمز نمی کند . با را گذاشته روی پدال گاز تا آنجا که می تواند گاز می دهد و هر که را می خواهد زیر می گیرد! آخر برادر! چرا؟

●●●

ورزشی

چهارشنبه ۹ اردیبهشت ۱۳۸۸

۴ جمادی الاول ۱۴۳۰ - ۲۰۰۹ - شماره ۴۳۶۷

■ **مومن جعفری**

برای محمد مایلی کهن که نمی دانیم با او چه کنیم

یک سؤال . آیا محمد مایلی کهن ، کلاتر فوتبال ایران است که هر جا دعوا می شود، که هر جا کسی حضور دارد ، که هر جا کسی هست ، او یکدفعه می آید وسط و برخورد می کند و حکم می دهد؟ کاش کلاتر بود . کلاترها فقط بازداشت می کنند. او حکم می دهد و خودش هم اجرا می کند . او مسلماً آدم خوبی است و مثل بنده گناهکار به موسیقی علاقه ندارد و قطعاً مثل این حقیر ، سمت آثار گروه های ضاله خارجی نمی رود اما او از دید من ، بیانگر یک بیت از شعرهای معروف گروه متالیکاست . «من خودم قاضی و هیأت منصفه و جوخه اعدام!» تو این طوری هستی سیّد؟

●●●

محمد مایلی کهن هر روز چوب خط جدیدی می اندازد روی سیاهه حملات خود . او هر روز یک خط اضافه می کند به خطوطی که نشانه حملات آتشین او هستند . از معاون رئیس جمهور تا سرمربی تیم ملی و سرمربیان مختلف، هیچ کس از نیش زبان او در امان نیست . او حتی دادگاهی هم شد اما حکم ممنوع المصاحبه شدن خود را نیز به هیچ انگاشت . سؤال اینجاست . قربانی بعدی کیست برادر؟

●●●

تکلیف ما با محمد مایلی کهن چیست؟ دوستش داشته باشیم یا از او متنفر باشیم؟ حق را به او بدیم یا او را از هر حقی محروم کنیم؟ سیاه بدانیمش یا سپید؟ تحملش کنیم یا بی خیالش شویم؟

هیچ کس نمی داند . او هم مثل «علی دایی» فقط یک علامت سؤال بزرگ است که هر چه بیشتر می خواهیم بشناسیمش کمتر موفق می شویم . باز هم قلم ، اسم علی دایی را نوشت . گفته بودم که این ۲ نفر را نمی شود از هم تفکیک کرد .

عرب ها از ما سبقت گرفتند

و ما هنوز درجا می زنیم

■ **مسعود معینی**

۱- مشکلاتی که تیم های ما در رقابت های آسیایی داشتند عدم آمادگی تیم ها و برنامه فشرده بازی ها و عدم برنامه ریزی دقیق و مناسب و نداشتن اطلاعات کامل و کافی از حریفان بود . تیم هایی نظیر ژاپن که ۴ نماینده اش صدر جدول گروه ها را در اختیار گرفته‌اند با برنامه پا به میدان گذاشتند . در برنامه ریزی دقیق ، ژاپن هم لیگ را برگزار کرد و هم در رقابت های مقدماتی جام جهانی حضور داشت و هم با اقتدار در آسیا حاضر شد . کشورهایی مانند ایران که اولین بار است با چندین ترافیک بازی ها مواجه می شود، نمی تواند برنامه ریزی خوبی برای پیگیری بازی ها داشته باشد . تیمی مثل پرسپولیس دور رفت را در ایران خوب نتیجه می گیرد اما در بازی های برگشت ناامیدکننده ظاهر می شد . حضور در این مسابقات نیازمند کادر مدیریتی قوی و داشتن حداقل اطلاعات آسیایی است که متأسفانه تیم های ما فاقد این ویژگی بودند. این اطلاعات می تواند از گذشته و سابقه حریف باشد یا در طول بازی رفت به دست آید همان طوری که الغرافه در تهران شکست خورد اما در قطر با این شناخت خوب پرسپولیس را در هم کوبید . مورد بعدی که جزو عوامل ناکامی تیم های ما در آسیا به شمار می آید عدم آمادگی جسمانی بازیکنان بود . نفرات ما پیش از آغاز فصل از وضعیت بدنی خوبی برخوردار نیستند یعنی آموزش ندیده اند که به عنوان یک بازیکن حرفه ای چگونه در تعطیلی بازی ها، اندام خود را متناسب و آماده نگه دارند. ضمن اینکه اوج رقابت های آسیا مصادف شد با هفته های سرنوشت ساز تیم ما در لیگ برتر . ۴ نماینده ما در لیگ هم استرس و فشار زیادی را تحمل می کردند . استقلال برای قهرمانی ، سپاهان و پرسپولیس و صبا ی قم هم به دنبال سومی لیگ و گرفتن سهمیه آسیایی برای سال آینده بودند. فشرده گی بازی ها و حساسیت هر ۲ تورنمت باعث افت تیم ها شد . اگر تیم ها برنامه ریزی خوبی داشتند حتماً از پس ۲ جام برمی آمدند . به عقیده من این عوامل باعث ناکامی ایران در مسابقات لیگ قهرمانان آسیا بود .

۲- نگرش قدیمی می گوید سطح فوتبال ما بالاتر از سطح فوتبال عرب ها است اما واقعیت اینجاست که آنها با اینکه عقب تر از ما بودند اما پیشرفت کردند و ما در طول راه توقف کردیم که در حال حاضر با نگرش گذشته ، توقف خود را احساس نمی کنیم . از میان نمایندگان شاید ۲ تیم ما شانص صعود داشته باشند . با توجه به ناکامی ایران مقابل عرب ها به عقیده من در دور بعد با تیم های آسیای شرقی به مشکل برخوردیم خورد . ضمن اینکه ما در انتخاب بازیکنان خارجی و کمکی اصلا عملکرد خوبی نداشتیم برعکس ازبک ها و کره ای ها تیم خوبی را راهی مسابقات کردند .

۳- یکی از دیدارهای حساس جام حذفی بازی پرسپولیس و سپاهان است که برد با تیمی است که از نظر انگیزش سطح بالاتری داشته باشد که به عقیده من ۲ تیم در این مورد با هم برابرنند . پرسپولیس برای جبران ناکامی لیگ و آسیا قصد دارد هر طوری شده در جام حذفی موفق باشد ، سپاهان نیز با همین شرایط جام حذفی را از دست نمی دهد . البته عدم حضور قوی که نبودش کاملاً چشم گیر است و غیبت چند بازیکن دیگر در روند تیمی سپاهان تأثیرگذار خواهد بود . به هر حال من برای هر ۲ تیم شانص مساوی قائل هستم .



فوتبال هنوز تمام نشده

آن از بهره‌مند شدن. آنها البته هنوز از شانص خوبی برخوردارند و نیاز به یک ریکآوری روحی دارند. شاید حذف پرسپولیس در آزادی اما حالا این تیم باید در حضور تماشاگران مشتاق ایرانی مقدمات به مصاف تیم سقوط کرده الشارجه برود و این خود فرصتی است که پرسپولیس احمال قبلی خود را جبران کند . از یاد نبرید که پرسپولیس در آزادی نیز با سپاهان مصاف می دهد و پیروزی در این ۲ بازی سبب خواهد شد تا این تیم با حداکثر روحیه آخرین دیدار آسیایی خود را نیز پشت سر بگذارد . آنها بیشترین شانص را برای صعود به دور بعد دارند.

●●●

صبا و الهلال در قم . این عجب دیداری می شود. فیروز کریمی پس از ناکامی در کسب سهمیه آسیایی و پس از نتایج نامطلوب در آسیا حالا بشدت نیازمند ۲ پیروزی پشت سر هم در بازی های باقیمانده لیگ قهرمانان است . فیروز اگرچه به صعود تیم خود به مرحله حذفی می اندیشد اما نمی توان انکار کرد که برای تقویت جایگاه خود نیز می جنگد . از فیروز کریمی بیشتر از اینها انتظار می رفت اما نتایج آسیایی او اصلاً در حد و اندازه های نامش نبوده است.

●●●

همه اینها را نوشتم تا دوباره تأکید کنم فوتبال باشگاهی ما به خواب بهاری نرفته است ، فوتبال ادامه دارد .



موفقیت ما در آسیا به صعود ۲ تیم به دور بعد محدود می شود

■ **وحید مقاره‌ری**

۱- هیچکدام از نمایندگان ما در رقابت های آسیایی از نظر روحی و روانی آماده نبودند . پرسپولیس از نظر بار تجربی قوی تر بود . سپاهان با داشتن یک نایب قهرمانی تجربه خوبی دارد اما از نظر روحی شرایط خوبی ندارد . استقلال و صبا هم که فوق العاده بی تجربه عمل کردند این یکی از دلایل غریبی بود که باعث ناکامی تیم ها شد اما در بعد فنی اصول حرکتی بازی سنگین و شرح وظایف که به درستی برای نفرات شرح داده نشده بود و از نقاطی ضربه خوردیم که حتی مربیان هم احتمالش را نمی دادند . در ادامه راه فکر نمی کنیم بتوانیم به توفیقی دست پیدا کنیم . به این خاطر که حریفان با برنامه جلو آمده‌اند و بعضاً با توجه به شرایطی که دارند شانسان برای قهرمانی بیشتر خواهد بود . پرسپولیس ۶۰ ، استقلال ۲۰ ، صبا ی قم ۱۰ و سپاهان ۴۰ درصد شانص صعود دارند . صعود ما از این مرحله می تواند موفقیت ایران در لیگ قهرمانان آسیا باشد . تیم های دیگر سال های گذشته این مراحل را طی کرده اند. حضور در این

به خواب بهاری نروید

پایان یافتن مسابقات لیگ به معنای پایان فوتبال باشگاهی نیست و نباید چنین برداشت شود که قرار است فوتبال در ایران به خواب زمستانی فرو برود . جام حذفی در پیش است و لیگ قهرمانان آسیا نیز هنوز جریان دارد . ضمن اینکه تیم ملی خود را آماده می کند تا در ۳ دیدار حساس و سرنوشت ساز و مرگ و زندگی به مصاف رقبای خود برود. فوتبال باشگاهی در دسته های دیگر نیز ادامه دارد . لیگ دسته اول به روزهای فینال گونه پایانی نزدیک شده . لیگ دسته دوم نیز چنین وضعیتی دارد . فینال بازی های امیدهای تهران نیز ۵شنبه برگزار می شود تا تکلیف تیم قهرمان این رقابت ها مشخص شود . رسانه های ورزشی نباید قهرمانی استقلال را پایان کار فوتبال باشگاهی بدانند .

●●●

اینکه چه تیمی در جام حذفی قهرمان می شود یک بحث است و اینکه رقابت های حذفی با چه حجم از حواشی به پایان خواهد رسید بحثی دیگر است . قهرمانی استقلال و

